

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل غنی زاده - ویرجینیا

۲۰ نومبر ۲۰۱۵

فصل عشق

دریک بامگاه پائیزی و هوای خنک آشنائی، در حالی که مدهوش از خاطرات روزگاران رفته بودم، برگشت.
من در کوچه سرخ برگها چون نخل خسته و خشک و بی بار ایستاده بودم و سیمای سراسیمه ام اندوه تلخ دوری اش را
بیان می کرد.
یک باره جوهر مهربانی در نگاهش درخشید و بعدی سالهای سرد بی مهری مثل باران بر من بارید.
گوئی دررگ و ریشه جسم نور خانه کرد و درد توان فرسای هراس و تردید رهایم نمود.
هنوز اندیشه هایم در جاده های وسیع تخیل سرگردان بود که دوباره رفت.
ولی من مملو از یاد ها و امید ها در آغاز هر فصل عشق می شگفم و تا خزان بهت و حیرانی نقش قدمهایش را با
مروارید های اشک نشانی می گذارم.